

عنوان:

نقش انتخابات بر ارتقاء جایگاه سیاسی کشور

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضائیه)

۱۴۰۳/۰۳/۲۶

نقش انتخابات بر ارتقاء جایگاه سیاسی کشور

انتخابات نقش اساسی در حکومت‌داری دموکراتیک دارد. دموکراسی شکلی از حکومت است که در آن تصمیمات سیاسی مستقیماً توسط کل بدنه شهروندان واجد شرایط اتخاذ می‌شود. انتخابات به رای دهندگان این امکان را می‌دهد تا رهبران را انتخاب کنند و آنها را برای عملکردشان در مقام مسئول بدانند. بنابراین انتخابات آموزش سیاسی را برای شهروندان فراهم می‌کند و پاسخگویی دولت‌های دموکراتیک به خواست مردم را تضمین می‌کند.

به گزارش **توانانیوز**، مشارکت شهروندان در حیات سیاسی خود همواره مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه اجتماعی و سیاسی بوده است و از زمان شکل‌گیری دولت‌های مستقل این اندیشه همراه آن شکل گرفته است که مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند و به نوعی باید قدرت مهربان‌شدنی حاکمان که در رأس قدرت قرار دارند را محدود کرد که این تحدید در گرو مشارکت شهروندان در سرنوشت خود بوده است.

موضوع مشارکت سیاسی و انتخابات و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد که امروزه این واژه اهمیت دوصد چندان‌ی پیدا کرده است چرا که انتخابات در هر شکل (چه انتخابات در انتخاب شورای روستا، شهر در بعد پایین تر، انتخاب نماینده مجلس در طیف وسیع و چه انتخاب نماینده خبرگان و رئیس‌جمهور در طیف گسترده تر) اساس و بنیان هر جامعه را شکل می‌دهد



همه دموکراسی‌های مدرن انتخابات برگزار می‌کنند، اما همه انتخابات دموکراتیک نیستند .

انتخابات نهاد مرکزی دولت‌های دموکراتیک است. زیرا در یک دموکراسی اقتدار حکومت صرفاً از رضایت حکومت‌شوندگان ناشی می‌شود. مکانیسم اصلی برای تبدیل این رضایت به اختیارات دولتی، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه است. همه دموکراسی‌های مدرن انتخابات برگزار می‌کنند، اما همه انتخابات دموکراتیک نیستند. دیکتاتوری‌های دست‌راستی، رژیم‌های مارکسیستی و دولت‌های تک‌حزبی نیز انتخابات برگزار می‌کنند تا به حکومت خود هاله مشروعیت بخشند. در چنین انتخاباتی، ممکن است تنها یک نامزد یا لیستی از نامزدها وجود داشته باشد، بدون انتخاب جایگزین. چنین انتخاباتی ممکن است چندین نامزد برای هر دفتر ارائه دهد، اما از طریق ارباب یا تقلب اطمینان حاصل شود که فقط نامزد مورد تایید دولت انتخاب می‌شود. انتخابات‌های دیگر ممکن است انتخاب‌های واقعی را ارائه دهند، اما فقط در داخل حزب فعلی این انتخابات دموکراتیک نیست.

انتخابات به رای دهندگان این امکان را می‌دهد تا رهبران را انتخاب کنند و آنها را برای عملکردشان در مقام مسئول بدانند. زمانی که رهبران منتخب اهمیتی نمی‌دهند که آیا مجدداً انتخاب می‌شوند یا به دلایل تاریخی یا دیگر، یک حزب یا ائتلاف چنان مسلط است که عملاً هیچ انتخابی برای رای‌دهندگان از میان نامزدها، احزاب یا سیاست‌های جایگزین وجود ندارد، پاسخگویی تضعیف می‌شود. با این وجود، امکان کنترل

رهبران با الزام آنها به تسلیم شدن در انتخابات منظم و دوره ای به حل مشکل جانشینی در رهبری کمک می کند و در نتیجه به تداوم دموکراسی کمک می کند. علاوه بر این در جایی که روند انتخابات رقابتی است و کاندیداها یا احزاب را وادار می کند تا سوابق و نیت آینده خود را در معرض نظارت عمومی قرار دهند، انتخابات به عنوان تربیونی برای بحث در مورد مسائل عمومی عمل می کند و بیان افکار عمومی را تسهیل می کند. بنابراین انتخابات آموزش سیاسی را برای شهروندان فراهم می کند و پاسخگویی دولت های دموکراتیک به خواست مردم را تضمین می کند. آنها همچنین در خدمت مشروعیت بخشیدن به اعمال کسانی هستند که قدرت را در دست دارند، عملکردی که تا حدی حتی با انتخابات غیررقابتی انجام می شود.

در نهایت، انتخابات با تأیید ارزش و منزلت شهروندان فردی به عنوان انسان، هدفی خودشکوفایی را دنبال می کند. هر نیاز دیگری که رای دهندگان ممکن است داشته باشند، شرکت در انتخابات به تقویت عزت نفس و عزت نفس آنها کمک می کند. رای دادن به مردم این فرصت را می دهد تا نظر خود را بیان کنند و از طریق ابراز تمایل، نیاز خود به احساس تعلق را ارضا کنند.

تأثیر انتخابات بر جایگاه بین المللی دولت:

با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، درصدد پاسخ به این سؤال است که انتخابات چگونه موجب بهبود جایگاه و قدرت بین المللی دولت ها خصوصاً جمهوری اسلامی ایران می شود. یافته های این پژوهش نشان داده است که انتخابات هم از طریق نمایش هنجارهای دموکراتیک و هم زمینه سازی برای تغییر سیاست ها می تواند به بازسازی موقعیت بین المللی کشورها کمک کند. این نوع اثرگذاری در تاریخ جمهوری اسلامی ایران چند بار تجربه شده و خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری ملموس بوده است. در شرایطی که مناسبات بین المللی کشور به تشنج و تنش گراییده بود، انتخابات زمینه بهبود مجدد اوضاع را فراهم کرد.

دممل هوپر (۲۰۲۳)، در مقاله ای با عنوان: تقویت حق مشارکت: مشروعیت و انعطاف پذیری فرآیندهای انتخاباتی در نظام های سیاسی غیرلیبرال و رژیم های استبدادی، به این مهم می پردازد که انتخابات و فرآیندهای انتخاباتی نقش مرتبطی را برای رژیم های مختلف در پرداختن به مخاطبان داخلی و بین المللی ایفا می کند. در مقایسه با دموکراسی هایی که انتخابات تعیین کننده دسترسی به قدرت است، انتخابات در حکومت های استبدادی برای حفظ و تقویت وضعیت موجود قدرت استفاده می شود، اگرچه ممکن است به عوامل استرس زا برای رژیم های مربوطه منجر شود.

مالتا (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان: انتخابات و مشروعیت دولت در کشورهای شکننده، این چنین مطرح می کند که مشروعیت دولت را می توان به عنوان میزان رضایت شهروندان برای اداره شدن درک کرد. به این معنی که آنها حق حکومت را برای حکومت می پذیرند. مشروعیت دولت با به رسمیت شناختن بین المللی متفاوت است. این واقعیت که یک دولت توسط قدرت های خارجی به رسمیت شناخته می شود، لزوماً به این معنا نیست که از نظر شهروندان دارای اقتدار مشروع است. همچنین از مشروعیت دولت – میزان پذیرش خود دولت توسط شهروندان – متمایز است. در نهایت اظهار می کند که راه های زیادی جهت افزایش مشروعیت دولت ها وجود دارد و باید فراتر از همه آنها برگزاری انتخابات پرشکوه است.

کیم (۲۰۲۱)، در مقاله ای: تاثیر نتایج انتخابات بر اثربخشی سیاسی داخلی: نقش عوامل زمینه ای، به ذکر این مهم پرداخته است که بسیاری از مطالعات پیامدهای نتیجه انتخابات را برای یکی از نگرش های مهم عمومی یعنی کارآمدی سیاسی بررسی کرده اند.

تأثیر نتایج انتخابات بر کارآیی خارجی و داخلی

تأثیر نتایج انتخابات بر کارآیی خارجی توسط اکثر مطالعات قبلی تأیید شده است، در حالی که تأثیر آن بر کارآیی داخلی مشخص نیست. این مطالعه با مفهوم سازی مجدد کارآمدی درونی بر اساس نظریه شناختی اجتماعی خودکارآمدی، استدلال می کند که دو شرط برای تأثیر نتیجه انتخابات بر کارآیی داخلی وجود دارد: دشواری مورد انتظار برای پیروزی و میزان مشارکت در انتخابات. این مطالعه با تجزیه و تحلیل داده های نظرسنجی جمع آوری شده برای سه انتخابات مجلس سفلی ژاپن، نشان می دهد که اگر دو شرط زیر به طور همزمان برآورده شوند، نتیجه انتخابات بر کارآیی داخلی تأثیر می گذارد: (۱) برندگان/بازنده ها دریافتند که انتخابات دشوار است/برنده شدن آسان است، و (۲) رای دهندگان عمیقاً در روند انتخابات شرکت داشتند.

الکلیت و رینولدز (۲۰۰۰)، در پژوهشی با عنوان: تأثیر مدیریت انتخابات بر مشروعیت دموکراسی های نوظهور: دستور کار تحقیقاتی جدید، به تأثیر انتخابات بر مشروعیت سیاسی حکومت های نوظهور پرداخته و چنین بیان کرده اند که بین نهادهای سازی سیاست های انتخاباتی (و به ویژه اداره انتخابات) و ظهور دموکراسی در جهان در حال توسعه رابطه ی معناداری وجود دارد. این راه جدید نشان دهنده پیشرفت مهمی در مطالعه روابط عالی است که تاکنون یا در قانون دموکراتیزاسیون کاملاً نادیده گرفته شده است یا به طور چشمگیری به آن توجه کافی نشده است. تأملات نظری این پژوهش نگارندگان را متقاعد کرده است که مطالعه اجرای انتخاب های نهادی با ارتباط مستقیم با مدیریت و اداره انتخابات – و قوانین و مقررات متعاقب آن – می تواند به طور اساسی به درک چگونگی تأثیر کیفیت مدیریت انتخابات بر فرآیندهای مشروعیت کمک کند.



انتخابات

کلمه انتخاب از فعل لاتین *legere* به معنای "انتخاب کردن" گرفته شده است. انتخابات فرآیندی است که از طریق آن شهروندان انتخاب می کنند چه کسی نماینده آنها در دولت یا پارلمان باشد یا در مورد یک موضوع خاص چه کاری انجام شود. با این حال تفاوت بین شکل و ماهیت انتخابات مهم است. انتخابات از لحاظ لغوی معانی مختلفی دارد از جمله برگزیدن، بیرون کشیدن، برگزیدن چیزی از میان چیزهای دیگر، برگزیدن کسی از میان جمعی برای کاری.

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که جایگاه ویژه‌ای در هم آمیخته با بسیاری از مفاهیم دیگر دارد و نمی‌توان از دموکراسی بدون قرار گرفتن در معرض مشارکت سیاسی و نظام‌های انتخاباتی از طریق سازوکارهایی که آرای رای دهندگان را تبدیل می‌کند صحبت کرد.

مشارکت سیاسی به فعالیت‌های توده مردم در سیاست از جمله رای دادن در انتخابات، کمک به یک کمپین سیاسی، دادن پول به یک نامزد انتخاباتی، نوشتن یا تماس با مقامات، درخواست، تحریم، تظاهرات اطلاق می‌شود.

در تعریفی دیگر مشارکت سیاسی به فعالیت‌های شهروندان اشاره دارد که بر سیاست تأثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی به عنوان فعالیتی است که توسط یک شهروند به منظور تأثیر تقریباً مستقیم بر انتخاب‌ها و اقدامات سیاستمداران انجام می‌شود. شهروندان از طریق مشارکت سیاسی هم بر تصمیمات دولتی و هم بر تصمیمات غیر تصمیمات تأثیر می‌گذارند و بر تخصیص مقتدرانه ارزش‌ها برای جامعه تأثیر می‌گذارند

در نظر گرفتن توصیفات مختلف از مشارکت سیاسی، می‌توان بیان کرد که مشارکت سیاسی پدیده‌ای متغیر است که در طول زمان و مکان تغییر می‌کند. ما می‌توانیم مشاهده کنیم که بسیاری از اشکال کنش سیاسی - از رأی‌گیری و مبارزات سیاسی گرفته تا اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی و حتی فعالیت‌های «مدنی» به عنوان مشارکت سیاسی تعریف شده‌اند.



توسعه سیاسی

توسعه سیاسی به عنوان زیر شاخه سیاست تطبیقی در دهه ۱۹۶۰ شناخته شد. این نظریه ریشه در نظریه مدرنیزاسیون دارد که در سال‌های پس از جنگ شروع به تأثیرگذاری بر چندین رشته علوم اجتماعی کرده بود. قبل از دهه ۱۹۶۰ سیاست تطبیقی تمایل داشت بر اشکال حکومتی که در جهان صنعتی پیشرفته، یعنی اروپا و اتحاد جماهیر شوروی سابق غالب بود، تمرکز کند.

با این حال با ظهور تعدادی از دولت‌ها در آسیا و آفریقا در نتیجه فروپاشی امپراتوری‌های اروپا و درگیری‌های جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، که راه‌های جایگزینی برای توسعه فراهم کرد، سیاست تطبیقی شروع به تمرکز بر روی آنچه به عنوان ملت‌های «جدید»، «در حال ظهور»، «توسعه نیافته» یا «در حال توسعه» شناخته شد، نمود (Adeniran, ۲۰۱۹: ۲۵). (اغلب نظریه‌های توسعه سیاسی بر عوامل و شرایط توسعه سیاسی تأکید گذاشته‌اند و برای یافتن آنها از توضیحات رایج در علوم اجتماعی به ویژه توضیح همبستگی، انگیزشی، کارکردی، تاریخی، آماری و نوع آرمانی بهره جسته‌اند. این نظریات که اغلب معطوف به شرایط لازم توسعه سیاسی هستند با اولویت بخشیدن به عوامل ساختار اجتماعی و اقتصادی، نقش صورت بندی قدرت سیاسی را نادیده گرفته‌اند.

۱. یکپارچگی ملی، ۲. مشارکت رای دهندگان، ۳. مشارکت مردمی در فرآیند تصمیم گیری دولتی، ۴. گروه‌های ذینفع خودمختار، ۵. گردش رسانه‌های جمعی، ۶. خودمختاری دولت‌های محلی، موسسه‌ها و نهادها، ۷. گسترش و خودمختاری بخش غیر بوروکراسی جامعه (مثلاً بخش آموزشی)، ۸. عدم تمرکز سیاسی و اداری، ۹. خودمختاری بخش شبه دولتی (مانند مؤسسات عمومی، مؤسساتی که توسط دولت تأسیس شده اند)، ۱۰. سیستم حزبی باثبات که با عملکرد دموکراتیک درونی مشخص می‌شود، ۱۱. رقابت سیاسی، ۱۲. مدارا با مخالفت و اعتراض، ۱۳. گسترش پایگاه اجتماعی نخبگان سیاسی، ۱۴. باز بودن در مدیریت دولتی، ۱۵. آموزش و پرورش، ۱۶. شهرنشینی، ۱۷. آزادی مطبوعات، ۱۸. ماشین آلات انتخاباتی غیر حزبی صادقانه، ۱۹. استقلال قوه قضائیه و غیره (Boruah, ۲۰۲۱: ۱۰۷-۱۰۸). (همچنین ممکن است شاخص‌های منفی توسعه سیاسی مانند: ۱. شورش، ۲. تعداد زندانیان سیاسی در زندان، ۳. ترورهای سیاسی، ۴. فرار دستکاری شده قانونگذاران از یک حزب به حزب دیگر و غیره.



دولت مورد توافق (رضایت)

دموکراسی حکومت مردم است. رضایت عقلایی را می‌توان با متقاعدسازی به دست آورد. این رضایت برای فضای بحث آزاد ضروری است. با توجه به ماهیت و حجم زیاد و گاه فوریت سیاست‌ها و تصمیمات دولتی، همیشه نمی‌توان در مورد جزئیات هر موضوع با مردم مشورت کرد. مردم می‌توانند از طریق دو سطح عمده در تصمیم گیری و بحث شرکت کنند: الف) در میان نمایندگان مردم در قوه مقننه (مجلس قانونگذاری) که به هر عضوی بدون توجه به گرایش حزبی فرصت مشارکت داده می‌شود. ب) در سطح عمومی (شناخت عمومی) که در آن ارتباط مستقیم بین رهبری و مردم وجود خواهد داشت، رسانه‌های جمعی (روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها، رادیو و غیره) نیز به عنوان ابزار مؤثر ارتباط بین رهبری و مردم عمل می‌کنند.

مسئولیت پذیری عمومی

دموکراسی مبتنی بر رضایت مردم است، به همین دلیل است که جان لاک (۱۷۰۴) دولت را به عنوان «امانت‌دار» قدرتی که مردم به آن برای حمایت از حق طبیعی آنها برای زندگی، آزادی و مالکیت واگذار کرده‌اند، توصیف می‌کند. بنتام.جی. (۱۸۳۲) معتقد است که دموکراسی یک دستگاه سیاسی است که مسئولیت پاسخگویی حاکمان را در برابر حکومت شونده‌گان تضمین می‌کند. از نظر بنتام (۱۸۳۲) فرماندارانی که دارای قدرت هستند ممکن است تمایل به سوء استفاده از آن داشته باشند، زیرا این امر در نیجریه و سایر دموکراسی‌های در حال توسعه بسیار رایج است، بنابراین به منظور جلوگیری از سوء استفاده از قدرت خود، فرمانداران باید مستقیماً در برابر رای دهنده‌گانی که در حال توسعه هستند پاسخگو باشند، Chinonyelum, ۲۰۱۵: ۱۱۲).

قاعده‌ی اکثریت

در دموکراسی‌های نمایندگی مدرن، تصمیمات در چندین نهاد – قوه مقننه، کمیته‌ها، کابینه‌ها و مجریان یا نهادهای نظارتی اتخاذ می‌شود. قانون و قاعده‌ی اکثریت به این معناست که در همه نهادهای تصمیم‌گیر از رای‌دهندگان تا آخرین کمیته‌ها، مسائل از طریق رای‌گیری حل شود. برابری سیاسی از طریق اصل «یک نفر یک رای» تامین می‌شود که به این معنی است که هیچ بخش امتیازی وجود نخواهد داشت که ادعای وزن ویژه داشته باشد و یا هیچ بخش تحت امتیازی وجود نخواهد داشت که صدای آن نادیده گرفته شود. هیچ تبعیضی از نظر مذاهب، قلمه نژادی، جنسیت، محل تولد، مالکیت دارایی و حتی مدارک تحصیلی مجاز نیست. هرگونه محدودیت در حق رای باید بر اساس دلیل متقن باشد، یعنی جایی که نمی‌توان از رای به شیوه‌ای منطقی و مسئولانه استفاده کرد. مانند در مورد مجرمین محکوم، بیماران روانی و افراد زیر سن قانونی، Chinonyelum, ۲۰۱۵: ۱۱۲).

کارکردهای انتخابات

دو دیدگاه متضاد در مورد کارکردهای انتخابات وجود دارد. دیدگاه مرسوم این است که انتخابات مکانیسمی است که از طریق آن می‌توان سیاستمداران را به پاسخگویی فراخواند و مجبور کرد سیاست‌هایی را به نحوی منعکس کننده افکار عمومی معرفی کنند. از سوی دیگر گینزبرگ (۱۹۸۲) کارکردهای انتخابات را به عنوان ابزاری نشان می‌دهد که از طریق آن دولت و نخبگان سیاسی می‌توانند بر جمعیت خود کنترل داشته باشند و آن‌ها را آرام تر و در نهایت حکومت پذیرتر می‌کند. انتخابات نه صرفاً مکانیزم پاسخگویی عمومی هستند و نه ابزاری برای تضمین کنترل سیاسی. مانند همه کانال‌های ارتباط سیاسی، انتخابات «خیابانی دوطرفه» است که به دولت و مردم، نخبگان و توده‌ها فرصت تأثیرگذاری بر یکدیگر را می‌دهد، Ginsberg, ۱۹۸۲: ۱۶۷).

جذب سیاستمداران:

در کشورهای دموکراتیک انتخابات منابع اصلی جذب سیاسی هستند که با روندی که احزاب از طریق آن نامزدها را معرفی می‌کنند، این کارکرد عملی می‌شود. سیاستمداران تمایل به داشتن استعدادها و مهارت‌هایی دارند که مربوط به برگزاری انتخابات است، مانند مهارت‌های سخنوری و ظاهر زیبا.

ارائه نمایندگی:

زمانی که انتخابات آزاد باشد، انتخابات عادلانه و رقابتی وسیله ای است که از طریق آن مطالبات از مردم به دولت منتقل می شود. صرف نظر از استفاده از ابتکارات و یادآوری، با این حال رای دهندگان ابزار مؤثری برای اطمینان از اجرای دستورات جدا از ظرفیت آن برای اعمال مجازات در انتخابات بعدی ندارند.

سیاست های تأثیرگذار:

انتخابات قطعاً دولت ها را از دنبال کردن سیاست های رادیکال و عمیقاً غیرمحبوب باز می دارد، اما تنها در موارد استثنایی، زمانی که یک موضوع واحد بر مبارزات انتخاباتی غالب است، می توان گفت که مستقیماً بر سیاست ها تأثیر می گذارد. همچنین می توان استدلال کرد که دامنه گزینه های خط مشی مشخص شده در انتخابات معمولاً به قدری محدود است که نتیجه می تواند فقط اهمیت سیاست حاشیه ای داشته باشد، (Chinonyelum, ۲۰۱۵: ۱۱۵)

ایجاد مشروعیت:

یکی از دلایلی که حتی رژیم های اقتدارگرا برای برگزاری انتخابات، حتی اگر رقابتی نباشد، به زحمت می افتند، این است که انتخابات با ارائه توجیهی برای یک نظام حکومتی به تقویت مشروعیت کمک می کند. این امر به این دلیل اتفاق می افتد که تشریفات تبلیغاتی به نوعی بر انتخابات متمرکز است. انتخابات می تواند مشروعیت دولت را افزایش دهد. یکی از راه ها بهبود نگرش شهروندان نسبت به دولت و در نتیجه افزایش تمایل آنها برای رعایت قوانین و مقررات است.

جایگاه و اهمیت تشریفات:

مهمتر از همه با تشویق شهروندان به مشارکت در سیاست، حتی در شکل محدود انتخابات، رضایت فعال را بسیج می کند.

تقویت نخبگان:

انتخابات همچنین می تواند وسیله ای باشد که از طریق آن نخبگان می توانند توده ها را دستکاری و کنترل کنند. نارضایتی ها و مخالفت های سیاسی را می توان با انتخاباتی خنثی کرد که آنها را در جهت قانون اساسی هدایت می کند و به دولت ها اجازه می دهد تا بیانند و بروند در حالی که خود رژیم زنده است. انتخابات به ویژه در این زمینه مؤثر است زیرا در عین حال به شهروندان این تصور را می دهد که در حال اعمال قدرت بر دولت هستند.

تاریخچه شکل گیری نظام دموکراسی و انتخابات در ایران

از نظر تاریخی شکل غالب حکومت در ایران، سلطنت پاتریمونال بود. با این حال در آغاز قرن بیستم یک بحران اقتصادی فزاینده، نارضایتی از حکومت استبدادی سلسله قاجار، هجوم افکار لیبرال اروپا به ایران و تغییر پویایی های منطقه ای منجر به انقلاب مشروطه ۱۹۰۶ شد که یک جنبش اصلاحات سیاسی بومی بود متشکل از روشنفکران سکولار، بازرگانان و روحانیون روشنفکر که خواستار نهادهای پاسخگو و نماینده بودند. محور اصلی اهداف مشروطه خواهان تأسیس «عدالت خانه» بود، که مسئول اجرای عدالت، حمایت از حاکمیت قانون و حمایت از حقوق شهروندان بود. در حالی که قانون اساسی مکتوب و پارلمان منتخب جزء خواسته های اولیه مشروطه خواهان نبود، در تابستان ۱۹۰۶، اعتراضات گسترده در پایتخت، شاه را مجبور کرد که اعلامیه ای سلطنتی صادر کند که به نخست وزیر دستور داد تا مجلس شورای ملی را تشکیل دهد.

انتخابات مجلس اول بلافاصله آغاز شد. آنها بر اساس قانون انتخابات تصویب شده در سپتامبر ۱۹۰۶ انتخاب شدند. این قانون ۱۵۶ نماینده را برای دوره‌های دو ساله انتخاب می‌کرد. ۶۰ نماینده با رای مستقیم از تهران انتخاب شدند و ۹۶ نماینده باقی مانده به طور غیرمستقیم توسط هیئت انتخاب کنندگان در استان ها انتخاب شدند. قانون تقسیم رای دهندگان را به شش طبقه مقرر می‌کرد: شاهزادگان قاجار. طلبه ها و طلاب حوزه های علمیه؛ بزرگان، بازرگانان؛ مالکانی که دارایی حداقل ۱۰۰۰ تومانی دارند و پیشه وران و صنعتگران متعلق به یک صنف بازرگانی شناخته شده. تخصیص کرسی در استان ها بر اساس اندازه جمعیت تعیین شد. از دوازده استان ایران، چهار استان هر کدام دوازده نماینده برای مجلس شورای ملی و هشت استان هر کدام شش نماینده را انتخاب کردند.

رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۴۱ به نفع پسرش محمدرضا پهلوی از سلطنت کنار رفت. اولین انتخابات تحت قیمومیت او در سال ۱۹۴۳ به عنوان اولین انتخابات علنی پس از پانزده سال در نظر گرفته شد. در سال ۱۹۴۹ قانون انتخابات برای انتخابات مجلس سنا تصویب شد. در حالی که قانون اساسی ۱۹۰۶ تأسیس مجلس اعلای نمایندگان را پیش بینی کرده بود، مجلس سنا برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ تشکیل جلسه داد. طبق قانون اساسی، شاه حق داشت ۳۰ نفر از شصت سناتور را تعیین کند. عموم ۳۰ عضو باقی مانده را برای یک دوره ۶ ساله انتخاب کردند. فرمول انتخابات مجلس سنا بر اساس یک فرآیند پیچیده دو مرحله ای بود. با این حال، در سال ۱۹۶۰ پیشنهاد دولت منجر به جایگزینی روند دو مرحله ای با انتخابات مستقیم شد.

سن رای دادن ۲۵ سال تعیین شد و زنان از حق رای حذف نشدند. برای نامزد شدن، یک فرد باید حداقل ۴۰ سال سن داشته باشد، مذهب مسلمان داشته باشد و در حوزه انتخاباتی خود شناخته شده باشد. در حالی که مجلس بین سال های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۹ به طور منظم انتخاب می‌شد، اما قدرت واقعی نداشت. رای گیری اجباری در سال ۱۹۷۵ برای مبارزه با بی علاقگی رای دهندگان مطرح شد، شاه چهار سال بعد سرنگون شد و جمهوری اسلامی با رفراندوم مردمی و تظاهرات مردمی در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.

ویژگی‌های راهبردهای بنیادین انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

راهبردهای بنیادین انتخابات در ایران از سوی قانون اساسی نمایانده می‌شود. بنا بر آنچه از اصل ها و سیمای راستین این پیمان همگانی بر می‌آید راهبردهای بنیادین انتخابات سه ویژگی برجسته دارند: مشروعیت بخشی که چهره نهادی دارد اعتبار بخشی که نگاه کارکردی دارد و حق بخشی که رویکرد حمایتی دارد.

مشروعیت دهی:

انتخابات مایه مشروعیت مقام ها و نهادهای کلیدی در ساختار سیاسی ایران است. دو مقام رسمی کلیدی یعنی مقام رهبری و رئیس جمهور به نوبت با رأی غیر مستقیم و مستقیم مردم گزینش میشوند کلیدی ترین نهاد شورایی یعنی مجلس شورای اسلامی نیز با رأی مستقیم مردم مشروعیت می‌یابد. قدرت سیاسی ایران چه در چارچوب فرد محوری با محوریت مقام رهبری و رئیس جمهوری و چه جمع محوری با محوریت مجلس شورای اسلامی با انتخابات تکوین می‌یابند و تعیین بدون انتخاب آنها از دید قانون اساسی شذنی نیست.

اعتباردهی:

انتخابات بدن نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. اصل های نخستین قانون اساسی روح و بدن نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایانند. همچنان که نظام جمهوری اسلامی از جهت روان بر پایه ارزش های دینی و کرامت انسان است، از جهت بدنی بر پایه انتخابات

شکل می‌گیرد. انتخابات کارکرد این بدن را تعیین و به همه اندام‌های آن اعتبار می‌دهد. طبق اصل ششم در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات انتخاب رئیس جمهور نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد. از این رو اگر قانون اساسی دنبال آن است تا در باور مقام‌ها و شهروندان ایرانی ارزش‌های اعتباری و معنوی جای بگیرند ولی در کاربرد یعنی در جایی که کارها و برنامه‌های جامعه باید به اجرا در آید، انتخابات کلید اعتباردهی به آن است

حق دهی:

انتخابات سنج‌های برای حق دهی و حق ستانی است. با آنکه انتخاب شدن و انتخاب کردن در زمره حقوق ملت نیامده می‌توان این دو را به طور کلی حقوق یا اختیار مقرر در قانون اساسی دانست. چالش در این است که اگر به راستی انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات حق به شمار آید و رنگی از تکلیف بر این دو نباشد در این حال جایگاه انتخابات در قانون اساسی با پوشیدگی همراه است. به سخن دیگر اگر بر پایه قانون اساسی اداره امور کشور با انتخابات نمود می‌یابد، پس نمی‌توان پذیرفت انتخاب شدن و انتخاب کردن هر دو حق به شمار آیند که در این حال اگر همگان یا بیشتر شهروندان از حق خود روی بگردانند اداره امور کشور بر پایه انتخابات نیز دست نیافتنی است. پس دو سوی انتخابات در اصل به انتخاب شدن و انتخاب کردن مکلف اند چون به عنوان شهروند جامعه باید در اداره امور کشور که به سود خود آنان است، دست داشته باشند



فرصت‌های امنیت ملی (داخلی) و جنگ نرم منطقه‌ای و جهانی (خارجی)

مشارکت‌افزایی در انتخابات یکی از نمادهای نظام مردم سالاری دینی، تحقق جامعه مدنی، توسعه سیاسی، مقبولیت‌سنجی تصمیم‌های استراتژیک نظام و از شاخص‌های مشروعیت سنجی ساختارهای حکومتی است که در اسناد بالادستی نیز عملگرایی و بسترسازی برای تحقق آن مورد تأکید قرار گرفته است. حضور پرشور و حداکثری مردم در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ پیامدهای سیاسی-امنیتی داخلی و خارجی (منطقه‌ای و جهانی) زیادی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشت.

خشی نمودن آثار تحریم‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایل آمریکا برای گسترش عمق و سطح تحریم‌ها، مشروعیت‌زدایی از ساختارهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران است به طوری که با انعکاس تصاویر مجازی از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی تحریم‌ها و ایجاد سرخوردگی در میان آحاد جامعه در جهت مأیوس نمودن مردم و تضعیف مشارکت حداکثری حرکت می‌کند. در حالی که تحقق حضور حداکثری و هوشمندانه در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ علاوه بر توسعه ظرفیت امنیت استراتژیک نرم‌افزاری ایران، این پیام سیاسی را به حامیان دیپلماسی چماق و هویج می‌دهد که هیچگاه ابزار تهدید نمی‌تواند خللی در پشتوانه ملی برای دفاع از دولتمردان برای حمایت از حقوق اساسی ملت به وجود آورد. که نه تنها قدرت مانور متولیان دیپلماسی هسته‌ای را افزایش دهد؛ بلکه به ایجاد دودستگی در جبهه متحدان آمریکا برای تداوم گزینه تحریم منجر خواهد شد

مشارکت بالای مردم در انتخابات یکی از مهمترین مظاهر افزایش قدرت نرم ایران به شمار می‌آید. ضمن اینکه این مشارکت بالا به معنی باور مردم به آزاد، موثر و واقعی بودن انتخابات و خشی‌کننده فعالیت‌های سیاسی، مدنی و حقوق بشری آن دسته از مخالفان بین‌المللی و اپوزیسیون خارجی است که انتخابات ایران را آزاد و دموکراتیک نمی‌دانند و به این بهانه و سایر بهانه‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی به ایران فشار وارد می‌سازند. امنیت ملی در سرنوشت یکایک ما تأثیرگذار است؛ مدتهاست شاهد یک سلسله جریان سازی‌هایی از سوی رسانه‌های معاند علیه ملت ایران هستیم تا با سیاه‌نمایی، زمینه‌های افزایش یأس و ناامیدی در جامعه را ایجاد کنند تا به خواسته‌های ضد انسانی خود برسند. مردم ایران با حضور پرشور خود در انتخابات طبیعتاً هم به حق شهروندی خود عمل خواهند کرد و هم پیام مهمی به دولت‌های منطقه و جامعه جهانی ارسال خواهند کرد که ایران به دلیل برخورداری از وحدت ملی و انسجام داخلی آماده هر گونه مقابله با تهدیدات خارجی است.



حضور حداکثری در انتخابات؛ تقویت قدرت نرم ایران و دیپلماسی عمومی

ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آنها را پذیرفته و سرلوحه‌ی عمل خویش قرار داده است، در صورتی که جذاب باشند و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند، می‌توانند در نقش منابع مولّد قدرت نرم ظاهر شوند. جوزف نای شماری از این ارزش‌ها مانند مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا و برخورداری از پشتوانه‌ی مردمی (شرکت در انتخابات) را برخوردار از چنین خصیصه‌ای می‌داند. به زعم وی این ارزش‌های قدرت‌آفرین در آینده‌ی فرهنگ عامه (مانند آزادی فردی)، رفتارها و سیاست‌های داخلی (مانند مردم‌سالاری)، نحوه‌ی

عملکرد در نهادهای بین المللی (مانند گوش فرادادن به سخن دیگران) و سیاست های خارجی یک کشور (مانند پیشبرد صلح و حقوق بشر) متجلی می شوند.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ / اوایل دهه ۲۰۰۰ بود که تلاش های بلندپروازانه برای گسترش نفوذ فرهنگی و مذهبی ایران، از جمله راه اندازی شبکه های رسانه ای بین المللی، یا آغاز فعالیت های سازمان ها و نهادهای دینی بین المللی شکل گرفت چرا که تا قبل از آن قدرت نرم ایران تحقق تاثیر جنگ ۸ سال به عراق از پویایی لازم برخوردار نبود.

تلاش های جمهوری اسلامی ایران در زمینه قدرت نرم با آنچه جنگ نرم علیه نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب در سراسر جهان تشریح می شود، توضیح داده می شود. به گفته سایکل، تمرکز روزافزون تهران بر جنگ نرم ناشی از این مهم است که ایالات متحده از حقوق بشر و ارتقای دموکراسی، همراه با هنجارهای لیبرال حاکم بر نظام بین الملل که بخشی از یک استراتژی تمام عیار است برای تضعیف ایران استفاده می کند و طرح های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بیشتر موارد با هدف بازگرداندن وجهه عمومی کشور، که به طور ناعادلانه ای توسط غربی ها مورد هجمه قرار می گیرد، انجام شده است (Saikal, ۲۰۱۹: ۱۶۳). (این تغییر سیاست به دلیل تنش های فزاینده بین ایران و ایالات متحده در دولت بوش بود که پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایران را به عنوان بخشی از "محور شرارت" همراه با عراق و کره شمالی محکوم کرد. ایالات متحده ایران را به عنوان دنبال سلاح های کشتار جمعی و حامی تروریسم معرفی کرد که این اقدام در راستای تخریب و تضعیف وجهه عمومی ایران انجام شده بود. از آنجایی که این امر برای وضعیت ایران مضر بود، تهران تقویت وجهه عمومی خود را ضروری می دانست. در همان دوره، در سال ۲۰۰۵ بود که مجمع تشخیص مصلحت نظام سند چشم انداز راهبردی بیست ساله را منتشر کرد که اهداف بلندپروازانه زیادی را برای تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته تا سال ۲۰۲۵ تعیین می کرد. در واقع هدف این سند پیشگامی جمهوری اسلامی ایران با الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، تفکر مدرن و اخلاقیات در جهان اسلام بود

یکی از مهم ترین ابزارهای دیپلماسی امنیتی آمریکا برای تغییر رفتار دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی ایران، کاربست آموزه های دکترین براندازی نرم با هدف وادار سازی کارگزاران نظام به امتیازدهی و اتخاذ رویکرد وادادگی است. بنیان های دکترین براندازی نرم بر چهار محور راهبرد مهار، نبرد رسانه ای، سازمان دهی نافرمانی مدنی و ایجاد و گسترش تنش های قومی - فرقه ای متمرکز شده در حالی که تحقق مشارکت حداکثری می تواند هر چهار آفند فوق الذکر را رفع نماید. تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات ۱۴۰۲ مبین پایمردی دولتمردان به ارزش های دموکراتیک، احترام به کرامات انسانی و صیانت از حقوق اساسی ملت است که می تواند نقش تأثیرگذاری را بر خنثی سازی جنگ تبلیغاتی غرب مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید. اهمیت این کار به ویژه در زمانی که آمریکا استفاده از گفتمان های نرم افزار گرایانه را برای تضعیف نظام برگزیده است، پررنگ تر می شود

بنابراین، تبلیغات بر سر نهادهای دموکراسی و به خصوص انتخابات می تواند به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی مورد بهره برداری قرار گیرد، البته به شرط آنکه افکار عمومی کشورهای هدف، ارزیابی مثبتی از صداقت و اخلاق دولت مبتکر داشته باشند.

تقویت قدرت بازیگری ایران در خاورمیانه

هیچ کشوری در خاورمیانه به اندازه ایران ترکیبی از ابعاد جغرافیایی، موقعیت استراتژیک، جمعیت زیاد و تحصیل کرده، تاریخ باستانی و منابع طبیعی وسیع را ندارد. صرف نظر از اینکه چه کسی بر تهران حکومت می کند، این ویژگی ها همیشه به آرزوهای برتری منطقه ای دامن می زند. از زمان انقلاب ۱۹۷۹ و ظهور جمهوری اسلامی، سیاست خارجی ایران ضد امپریالیستی و اسلام گرا بوده است که با به چالش کشیدن نظام بین المللی آمریکا محور، نفوذ منطقه ای کشور در خاورمیانه را گسترش داده است. ایران بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه در پرکردن خلاء

قدرت منطقه‌ای موثر بوده است. چهار کشور عربی که تهران در حال حاضر بیشترین نفوذ را در آنها دارد - سوریه، عراق، لبنان و یمن - درگیر درگیری‌های داخلی هستند و توسط دولت‌های مرکزی ضعیف و درگیر اداره می‌شوند. در هر یک از این زمینه‌ها و در سایر نقاط منطقه، تهران نفوذ خود را با (۱) ایجاد و پرورش بازیگران غیردولتی و گروه‌های مبارز گسترش می‌دهد. (۲) حمایت از اقلیت‌های مذهبی، یعنی اعراب شیعه. (۳) - برافروختن خشم علیه آمریکا و اسرائیل. و (۴) تأثیرگذاری بر انتخابات مردمی به منظور تضمین پیروزی متحدان خود.

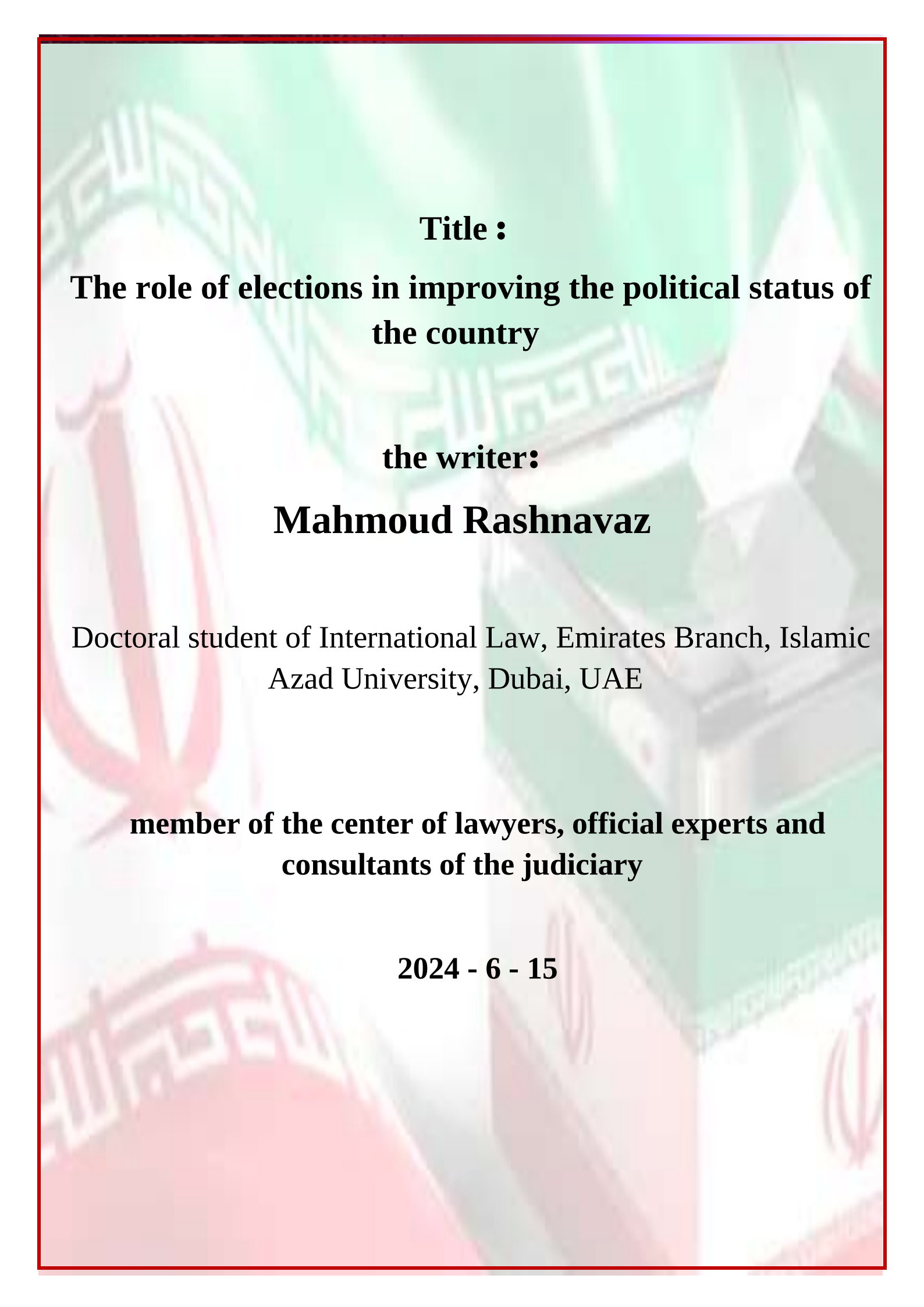
اگر بپذیریم که هر انتخاباتی ملی بر روی مشروعیت و ثبات نظام سیاسی مستقر، تمامیت سرزمینی و مصالح عمومی آن کشور است تأثیرگذار خواهد بود، آنگاه درخواهیم یافت که برآیند و مابه‌ازای برگزاری یک انتخابات پرشور، آزاد و امن در عرصه‌ی خارجی نیز، افزایش قدرت ملی، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی، افزایش قدرت چانه‌زنی و پیشینه‌سازی توان برآورده‌ساختن منافع ملی و ارتقاء پرستیژ بین‌المللی است. این موضوع، به دو صورت به ارتقاء جایگاه بین‌المللی ایران کمک می‌نماید: نخست، به بازیگران منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که برای ایجاد ثبات در منطقه و حل معضل تروریسم می‌باید بر روی پتانسیل‌های ایران بیشتر تمرکز نمایند و دوم، این امنیت و ثبات به شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی اعتماد و اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاری در ایران می‌بخشد. نتیجه‌ی مهم دیگر، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی ایران است. به طور کلی نظام‌های سیاسی جهان با همه‌ی تفاوت‌های ریز و درشتی که با هم دارند در دو دسته‌ی کلی نظام‌های مردم‌سالار و یا غیرمردم‌سالار قرار می‌گیرند. در جهانی که در آن دموکراسی یک ارزش سیاسی والا به حساب می‌آید، داشتن یک نظام مردم‌سالار به خودی خود افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی را برای هر کشوری به ارمغان می‌آورد. حال اگر در این نظام مردم‌سالار یک انتخابات آزاد و واقعی با مشارکتی حداکثری و بالای ۷۰ درصدی را آن هم در شرایطی که پیشروان دموکراسی در غرب در بهترین حالت در انتخابات‌های خود مشارکتی حداکثر ۵۰ درصدی را رقم می‌زنند، این مشروعیت و اعتبار بین‌المللی به شکلی دوجندان خودنمایی می‌نماید.

این پژوهش با عنوان انتخابات ۱۴۰۳ ایران؛ پیامدهای داخلی و بین‌المللی، تلاش نمود تا پیامدها و نتایج حضور پرشور و حداکثری مردم ایران در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ بر سیاست داخلی ایران و تقویت نقش بازیگری ایران در منطقه و جهان را بررسی نماید. پژوهش با استفاده از مفروضات تئوری توسعه‌ی سیاسی و دموکراسی به بررسی مفاهیم دموکراسی، مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی پرداخت. پژوهش در ادامه به بررسی و تحلیل تاریخچه شکل‌گیری مجلس و نظام مشروطه در ایران پرداخته است و در ادامه به کارکردهای نظام انتخابات پرداخته است. انتخابات در ایران همیشه دارای آثار و ابعاد داخلی و گسترده بین‌المللی بوده است.

به صورت خلاصه می‌توان ادعا کرد که انتخابات از دو طریق مسیر را تقویت جایگاه بین‌المللی ایران باز می‌کند: از یک طرف برگزاری انتخاباتی پرشور پرستیژ و جایگاه دموکراتیک ایران را ارتقاء می‌بخشد و از طرفی دیگر حکومت با داشتن پشتیبان‌های مردمی براحتی توطئه‌های دشمنان را خنثی می‌سازد.

منابع و مآخذ

- خسروی، حسن. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم انتخابات دموکراتیک. *حقوق اساسی*، ۶(۱۱)، ۸۷-۱۱۶.
- طالبی، تقی (۱۳۸۸)، مشارکت در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و بایسته‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۹۶۵۰.
- عالی پور، حسن (۱۳۹۴)، نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۸(۳)، ۶۳-۸۸.
- قادرزاده، امید، شریفی، فاطمه و حسن خانی، الناز (۱۳۹۸)، مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه‌ی پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، ۷(۴)، ۹۳-۱۲۹.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۵). تأثیر انتخابات بر جایگاه بین‌المللی دولت: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۸(۱)، ۶۹.
- ۱۷۹-۱۹۶.
- منشادی، مرتضی، و اکبری، سارا. (۱۳۹۹). تبیین رابطه ساخت سیاسی و توسعه سیاسی در دوران پهلوی اول براساس مدل برنارد کریک. دولت پژوهی، ۶(۲۱)، ۱۷۹-۲۱۴.



Title :

**The role of elections in improving the political status of
the country**

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch, Islamic
Azad University, Dubai, UAE

**member of the center of lawyers, official experts and
consultants of the judiciary**

2024 - 6 - 15